

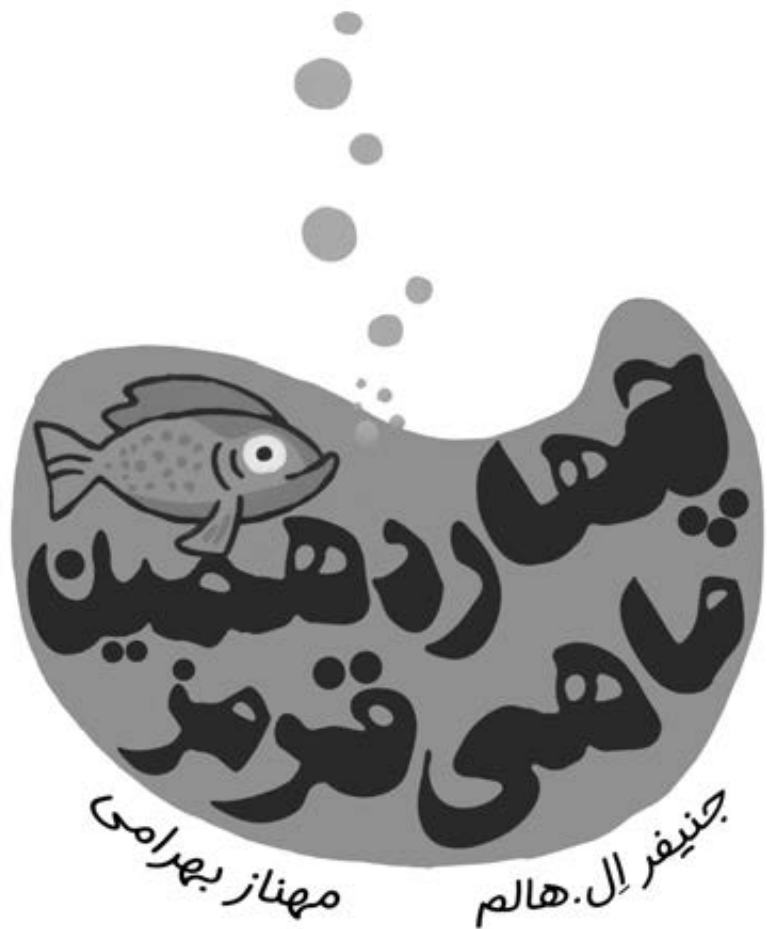
خدا چون سلام به روی ماهت...

## چهاردهمین ماهی قرمز



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!





مہناز بہرامی

جنیفر ال. ہالم

سرشناسه: هالم، جنیفر ال. Holm, Jennifer L.  
عنوان و نام پدیدآور: چهاردهمین ماهی قرمز / نویسنده جنیفر ال. هالم؛ مترجم مهناز بهرامی  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۱ص؛ ۱۴/۵×۲۰اس.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۱۴۴-۱  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: The fourteenth goldfish, 2014.  
موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.  
موضوع: Children's stories, American -- 20th century  
شناسه‌ی افزوده: کتر، کاساندر، ۱۹۷۳ -م.  
شناسه‌ی افزوده: بهرامی، مهناز، ۱۳۶۸ -مترجم.  
ردیبنده‌ی دیوینی: ۱۳۹۶ج۱ ۸۶۵هـ. PZV/  
ردیبنده‌ی دیوینی: ۸۱۳/۶ج  
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۴۶۶۶



انتشارات پرتقال

چهاردهمین ماهی قرمز

نویسنده: جنیفر ال. هالم

مترجم: مهناز بهرامی

ویراستار: محدثه گودرزینیا

مدیرهنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امیر علایی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سحر احدی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۱۴۴-۱

نوبت چاپ: اول-۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: پروین

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

تقدیم به روح پدر بزرگم  
که بزرگ شدن را یادم داد...



# فهرست

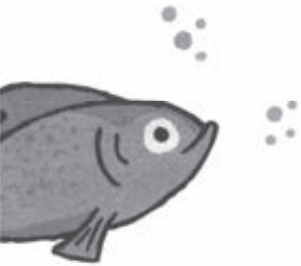
۹.....	قرمزی	۱
۱۱.....	پازل‌ها	۲
۱۵.....	انگشتر	۳
۲۱.....	جادو	۴
۲۵.....	عروس دریایی	۵
۳۱.....	کورن‌داگ برشته	۶
۳۶.....	شهر ما	۷
۴۲.....	احتمال	۸
۴۶.....	میوه	۹
۵۲.....	سالک و اوپنهایمر	۱۰
۵۸.....	ساختمان بیست و چهار	۱۱
۶۳.....	کشمش‌های شکلاتی	۱۲
۶۸.....	غنخ	۱۳
۷۲.....	پنیر	۱۴
۷۶.....	دستیار آزمایشگاه	۱۵
۸۲.....	دمپایی	۱۶
۸۷.....	قانون دوستی	۱۷
۹۲.....	مدرک	۱۸

۹۶.....	آبِ ریخته.....	۱۹
۱۰۱.....	دانشمند دیوانه.....	۲۰
۱۰۶.....	شمع‌ها.....	۲۱
۱۱۱.....	درد مفاصل و عضلات.....	۲۲
۱۱۷.....	پیک موتوری پیتزا.....	۲۳
۱۲۱.....	نوبل.....	۲۴
۱۲۵.....	سرما.....	۲۵
۱۲۹.....	مومیایی.....	۲۶
۱۳۴.....	بعد.....	۲۷
۱۳۹.....	مشاهده.....	۲۸
۱۴۵.....	شروع شاد.....	۲۹





# ۱ قرمزی



وقتی مهدکودک می‌رفتم، یک مربی داشتیم که اسمش استارلیلی<sup>۱</sup> بود. او همیشه لباس‌های رنگین‌کمانی می‌پوشید و یک جور کوکی بی‌مزه با خودش می‌آورد که با گرانولا<sup>۲</sup> و تخم کتان درست می‌شد. استارلیلی یادمان داد وقت‌هایی که میان‌وعده می‌خوریم ساکت بنشینیم و وقتی عطسه می‌کنیم آرنجمان را جلوی دهانمان بگیریم و خمیر بازی را نخوریم (هرچند انگار خیلی از بچه‌ها فکر می‌کردند این آخری دل‌بخواهی است).

یک روز او همه‌ی ما را با یک ماهی قرمز روانه‌ی خانه کرد. هر ده‌تایشان

---

Starlily -۱

۲- نوعی صبحانه یا میان‌وعده شامل جو پوست‌کنده و مغز دانه‌ها که با عسل یا شکر آن را شیرین می‌کنند.

را از مغازه‌ی حیوانات خانگی یک دلار خریده بود. قبل از خداحافظی با ما کمی هم برای پدر و مادرهایمان سخنرانی کرد. برایشان توضیح داد که: «این ماهی‌ها به بچه‌های شما چرخه‌ی زندگی رو یاد می‌دن. ماهی‌های قرمز عمر کوتاهی دارن.» من ماهی‌ام را به خانه بردم و اسمش را قرمزی گذاشتم. مثل هر بچه‌ی دیگری توی دنیا من هم فکر می‌کردم آن‌ها اصل‌اند. هرچند انگار قرمزی من تقریباً اصل از آب درآمد. چون قرمزی نمی‌مُرد.

حتی بعد از اینکه ماهی‌های همه‌ی هم‌کلاسی‌هایم به تُنگ بزرگی که خدا توی آسمان برایشان درست کرده بود پر کشیدند، ماهی من هنوز زنده بود. به پیش‌دبستانی رفتم، او هنوز زنده بود. رفتم کلاس اول، هنوز زنده بود. به کلاس دوم، سوم و چهارم هم رفتم و او هنوز زنده بود. اما بالاخره پارسال که کلاس پنجم بودم، یک روز صبح رفتم توی آشپزخانه و دیدم ماهی‌ام وارونه روی آب شناور است.

وقتی این خبر را به مامانم دادم، آهی کشید و گفت: «اون قدرها عمر نکرد.» گفتم: «چی می‌گی مامان؟ اون که هفت سال عمر کرد!» مامانم لبخندی زد و گفت: «الی<sup>۱</sup> این، ماهی اصلی نبود. ماهی اولیت همون موقع دو هفته بعدش مُرد. منم رفتم به جاش یه ماهی دیگه خریدم و انداختم توی تنگ. گُلّی ماهی این‌همه سال اومد و رفت.» پرسیدم: «این چندمیش بود؟» مامان دهانش را کج و معوج کرد و گفت: «سیزده نحس.» گفتم: «همه‌شون نحس بودن.»

توی دستشویی برای سیزدهمین قرمزی مراسم دفن گرفتیم و آن را در آبراه رها کردیم. به مامانم گفتم اگر می‌شود یک سگ برایم بخرد.